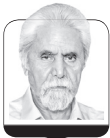


همین حوالی

به بهانه انتشار نامه محمدرضا شفیعی کدکنی به رئیس دانشگاه تهران

سرمایه‌ای به اسم مردان بزرگ



غلامعباس توسلی

● محمدرضا شفیعی کدکنی مرد بزرگی است. او خراسانی است و دیگر خراسانی‌ها مثل من، به وجود او افتخار می‌کنند. حتی اگر خراسانی هم نباشید، حتما شعر «به کجا چنین شتابان» این شاعر معاصرمان را شنیده‌اید و آن را با خود زمزمه کرده‌اید؛ شعری نفخ، دلنشین و پرمعنا و این ویژگی‌ها، در دیگر اشعار او نیز مشخص است. حالا او در یادداشتی نوشته است به دلیل رویه غلطی که در زمینه برخورد با رساله‌های دکترا در دانشگاه تهران حاکم بوده، چندین سال است که راهنمایی رساله‌ای را نپذیرفته اما با تصمیم برای برداشته‌شدن این رویه، حاضر است به دانشگاه برگردد. استاد بزرگی مثل شفیعی کدکنی که سال‌هاست در دانشگاه تدریس کرده، وقتی چنین حرفی می‌زند، باید قدر و قیمتش دانسته شود. زیرا اساتید بزرگی چون او، پس از این همه سال، دیگر نه دنبال جاه و مقام‌اند و نه مال و منال. آنچه آنها می‌خواهند، دنبال کردن فکر، نظر و ایده است و این چیزی است که استادان بزرگ می‌توانند با خود به دانشگاه بیاورند؛ یعنی تفکر و مطالعه. حضور این اساتید در دانشگاه‌ها البته نیازمند ایجاد تمهیداتی است. این‌روزها آنچه بر فضای دانشگاه‌ها غالب شده، بی‌انگیزگی و نبود شور و شوق لازم بین دانشجویان است. عاطفه و سلامت فضا در دانشگاه‌ها کم شده و اساتید بزرگ اینها را می‌بینند و از آن رنج می‌برند. از همین روست که شفیعی کدکنی از خواستش برای حضور فعال‌تر از گذشته در دانشگاه‌ها حرف می‌زند. باید دید چه چیزی این استاد را رنجانده است و برای رفع آن تلاش کرد. اما گاهی وقتی استاد بزرگی یا به دانشگاه می‌گذارد، دانشجویان جدید حتی او را نمی‌شناسند. در برابر این وضعیت می‌توان از روزگاری حرف زد که بین دانشجویان و استادان محبت و عاطفه حکم می‌کرد و دانشجویان و استادان از آموختن و آموزش لذت می‌بردند. این فضا می‌تواند و باید از دانشگاه‌ها بر داشته شود. باید مردان بزرگی مثل شفیعی کدکنی در دانشگاه‌ها حرف بزنند و حرفشان شنیده شود؛ چون باید بدانیم همین انسان‌ها سرمایه کشورمان هستند و ایمان داشته باشیم هرچه برای این مردان انجام داده‌ایم، برای دانش، فرهنگ و جامعه‌مان بوده است.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۳۱ فروردین ۱۳۹۵ | ۱۱ رجب ۱۴۳۷ | ۱۹ آوریل ۲۰۱۶ | سال سیزدهم | شماره ۲۵۶۳ | ۲۰ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۳ | اذان مغرب ۲۰:۰۰ | اذان صبح فردا ۴:۵۵ | طلوع آفتاب ۶:۲۵

روزنفرها

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

ساسان خادم



یادداشت

ماجرای شگفت‌انگیز پزشکان و کارگردان جهانی

امیرحسین علم‌الهدی

گرفته شود و در زمانی که سبقت درآمدزایی بر ارزش‌های انسانی فضیلت شمرده می‌شود، پزشکانی هستند که همچنان به «قسم پزشکی» شان متعهدند ولی به‌رحال بازمه خیر قصور و خطای یک پزشک یا یک بیمارستان آوار می‌شود بر تمام زحمات پزشکان خادمی که به‌جز تعهد به انسانیت، هدف دیگری ندارند... و در پایان باید به‌عرض برسانیم؛ با اینکه از کشورهای عربی برای طی مراحل درمان به کشورم مراجعه می‌کنند که جای سربلندی دارد برای جامعه پزشکی کشورم اما نگرانم دلارهای نفتی اعراب بر ریال‌های کشورم سنگینی کند و اگر غیر از این باشد، اعراب آیا کشور دیگری را برای درمان انتخاب خواهند کرد؟ و آیا واقعا «دلار» در سرزمین ریال در ارائه خدمات به انسان‌های کشور فارسی‌زبان دارای «عیار» بیشتری است؟ پاسخ به این سوالات و افزایش کیفیت خدمات پزشکی می‌تواند سون‌تفاهمات بین جامعه پزشکی و بیماران را برطرف کند...

حتما مواجه شده‌اید با این جمله در ایام تعطیل سال و بالاخص ایام تعطیل طولانی مدت عید که پزشک متخصص و فوق تخصص در بیمارستان نمی‌رسیدیم، ایشان از دست رفته بودند! از یک طرف باید خوشحال بود که حال کارگردان جهانی سینمای ایران با حضور به‌موقع عالی‌ترین مقام بهداشت و درمان کشور بهبود پیدا کرده است و از دیگر سو باید غمگین باشیم که آیا هزاران هم‌وطن دیگر در بیمارستان‌های کشور به‌درستی مراحل درمانشان طی می‌شود؟ و آیا عدم رسیدگی به‌موقع کادر پزشکی یک بیمارستان خصوصی و نه دولتی به این کارگردان صاحب‌نام فقط یک استثنا است؟ آیا می‌توانیم به‌عنوان یکی از آحاد مردم کشور، سوآلی داشته باشیم که میزان مرگ‌ومیر در این سرزمین براساس خطای پزشکی چه میزان است؟ و واقعا چرا در ایام تعطیل، یک بیمار نمی‌تواند مراحل درمان خود را توسط متخصص یا فوق تخصص پزشکی طی کند؟

وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی از قول وزیر محترم بهداشت و درمان و آموزش پزشکی نقل‌قول کرده‌اند: اگر به حال عباس کیارستمی در بیمارستان نمی‌رسیدیم، ایشان از دست رفته بودند! از یک طرف باید خوشحال بود که حال کارگردان جهانی سینمای ایران با حضور به‌موقع عالی‌ترین مقام بهداشت و درمان کشور بهبود پیدا کرده است و از دیگر سو باید غمگین باشیم که آیا هزاران هم‌وطن دیگر در بیمارستان‌های کشور به‌درستی مراحل درمانشان طی می‌شود؟ و آیا عدم رسیدگی به‌موقع کادر پزشکی یک بیمارستان خصوصی و نه دولتی به این کارگردان صاحب‌نام فقط یک استثنا است؟ آیا می‌توانیم به‌عنوان یکی از آحاد مردم کشور، سوآلی داشته باشیم که میزان مرگ‌ومیر در این سرزمین براساس خطای پزشکی چه میزان است؟ و واقعا چرا در ایام تعطیل، یک بیمار نمی‌تواند مراحل درمان خود را توسط متخصص یا فوق تخصص پزشکی طی کند؟

ماجرای عشق و عاشقی میدون

من را ببخش ستایش، دختر زیبای افغانستانی

چشم نداشتیم آنان را ببینیم. سوфіا... اما ستایش چی؟ ستایش که خودش افغانستانی بود. این‌بار تیتز خبر تجاوز یک افغانستانی به ایرانی نیست، این‌بار یک ایرانی دست‌به‌کار شده است تا نشان ندهد این مرزبندی‌ها و این تاکید روی قومیت‌ها مردم را از هم دور می‌کند. این‌بار خون روی سفره‌ای پاشیده که ما پهنش کرده بودیم؛ روی سفره ایرانی. سوфіا من آدم ساده و ساده‌دل و ساده‌لوحی هستم. من دلم می‌خواهد مرزها را با پاک‌کن از نقشه پاک کنم. سوфіا چه فرقی بین کودک ایرانی با افغانستانی یا کودکانی که در جنگ‌های خاورمیانه کشته می‌شوند، هست؟ به نظرت کودکانی که پیش از آنکه بزرگ شوند و آرزوهایشان را برآورده کنند، کشته می‌شوند به بهشت می‌روند؟ به نظرت این همه کودک با قومیت‌های مختلف در جهان، که بهشان تجاوز شد و کشته شدند، به بهشت رفته‌اند؟ سوфіا... اگر این‌طور است من خجالت می‌کشم یا به بهشت بگذارم... خجالت می‌کشم بمریم... سوфіا، ستایش و دیگر دختران افغانستانی، توی بهشت هم زاغه‌نشین‌اند؟ سوфіا... ستایش میهمان ما بود... دلش به سفره ما خوش بود... چرا دلش را سفره کردیم؟

روی پول می‌گذاشتند تا بفرستند به شهرستان، برای زن و بچه‌هایشان. شاید همین که کانون خانواده این مهاجران متلاشی شده بود یکی از دلایل آسیب‌هایی بود که در طول این سال‌ها بین آنان و میزبانان ایرانی‌شان پیش آمد. خبرهای داغ صفحه‌های حوادث کم‌کم بخش ویژه‌ای پیدا کرد برای سرقت و تجاوز و زورگیری و... چند افغانستانی که بعضی‌شان بزه‌های زنجیره‌ای بود. این خبرها که کسی به آسیب‌شناسی‌اش کاری نداشت منجر به این شد که افغانستانی‌ها چهره ترسناکی برای میزبانان خود پیدا کنند. مادرها کم‌کم بچه‌ها را با این جمله که «افغانی میاد النگوها رو می‌بره...» از رفتن به خیابان منع کردند و پدرها با این جمله که «افغانی الان تو خیابان منتظره بخورد...» بچه‌ها را از شب در کوچه بازی کردن پرهیز دادند. می‌بینی سوфіا؟ همه چیز علیه آنها شده بود. آنان میهمان ما بودند و ما داشتیم سفره را از جلو دستشان جمع می‌کردیم. چند مسئول شهری باافتخار اعلام کردند افغانستانی‌ها را در خیابان می‌گیرند و آنان حق ورود به پارک‌ها را ندارند. درس‌خواندن برای آنان ممنوع شد و مدارس از ثبت‌نامشان طفره رفتند. آنان بد شده بودند و ما دیگر

پوریا عالمی: سلام سوфіا. من میدون هستم. میدون دوم، عاشق سوфіا، عاشقی تو. اما امروز نمی‌خواهم ماجرای عشق و عاشقی‌م را برای مردم تعریف کنم که بخندند. می‌خواهم نامه‌ای به تو درباره ستایش بنویسم؛ درباره ستایش، دختر افغانستانی. راستش را بخواهی مدت‌هاست همشهری‌های من (البته نه همه‌شان، برخی از آنها) از کلمه افغانی به‌عنوان حرف بد استفاده می‌کنند. چرا؟ چون سال‌ها پیش ایران مهاجران افغانستانی را پذیرفت و بعد از سال‌ها دید ای بابا، خود کشور مسئله بی‌کاری و ... دارد. مهاجران افغانستانی در همه این سال‌ها مهاجران افغانستانی ماندند. تعداد کمی از آنان توانستند خودشان را بالا بکشند، درس بخوانند، شغل پیدا کنند و حتی شناسنامه بگیرند. دراین میان بیشترشان کارگر ماندند و چون چاره‌ای جز کارگری نداشتند مجبور بودند سخت کار کنند و سخت جان بکنند. کم‌کم خیال ما راحت شد که کار سخت روی زمین نمی‌ماند و هر کاری که سخت بود یا هر چیزی که سنگین بود همه برای انجامش یک راه بیشتر نداشتند و می‌گفتند: «بسر ببر به افغانی بگو بیا...» افغانستانی‌ها اما در آل‌ونک‌ها و زاغه‌ها باید پول

میلاد پر برکت حضرت علی (ع)

روز پدر مبارک باد

پوشاک نسل امروز ... و فردا

ماکسیم

maxim®

COLLECTION

QUANTUM

ساعت مدیران هزاره سوم

مکسجی را فقط از بوتیک‌های زنجیره‌ای مکسجی تهران و شهرستان‌ها خریداری کنید

۳ ۷ ۶ ۸ ۶ ۵ ۳ ۰	• مکسجی مشهد (پانوان)؛ هتل های شماره ۲	۸ ۸ ۷ ۸ ۹ ۰ ۹ ۶	• مکسجی مرکز؛ میرداماد، مجتمع پایتخت
۳ ۷ ۶ ۲ ۴ ۲ ۱ ۱	• مکسجی مشهد؛ هتل های شماره ۲	۲ ۲ ۲ ۵ ۱ ۷ ۰ ۹	• مکسجی میرداماد؛ نرسیده به میدان مادر، شماره ۱۱۸
۳ ۲ ۱ ۱ ۹ ۳ ۹ ۲	• مکسجی کرمان؛ هتل بین المللی پارس	۲ ۶ ۴ ۱ ۵ ۶ ۳ ۴	• مکسجی میرداماد (پانوان)؛ مجتمع پاسارگاد
۳ ۲ ۳ ۱ ۱ ۸ ۵ ۱	• مکسجی پابل؛ خیابان مطهری	۲ ۲ ۵ ۹ ۳ ۳ ۰ ۰	• مکسجی پاسداران؛ مقابل برج سفید
۳ ۲ ۲ ۴ ۸ ۹ ۱ ۷	• مکسجی اراک؛ خیابان بهشتی، ساختمان برلیان	۸ ۸ ۰ ۸ ۹ ۹ ۹ ۰	• مکسجی شهرک غرب؛ میلاد نور
۳ ۳ ۷ ۳ ۱ ۱ ۲ ۸	• مکسجی اهواز؛ کیانپارس، برج کوثر	۲ ۲ ۶ ۴ ۱ ۳ ۳ ۰	• مکسجی شهرتبی؛ مرکز خرید قلهک
۳ ۳ ۳ ۴ ۳ ۸ ۰ ۸	• مکسجی بندر عباس؛ هتل هرمز	۲ ۲ ۶ ۴ ۱ ۳ ۸ ۶	• مکسجی شهرتبی (پانوان)؛ مرکز خرید قلهک
۳ ۴ ۰ ۴ ۳ ۸ ۰	• مکسجی کرج؛ خیابان بهشتی، جنب هلال احمر	۸ ۸ ۹ ۵ ۱ ۳ ۵ ۱	• مکسجی فاطمی؛ مرکز خرید لاله
۳ ۲ ۲ ۲ ۴ ۴ ۱ ۶	• مکسجی گرگان؛ خیابان امام خمینی، مقابل هتل خیام	۲ ۲ ۹ ۶ ۹ ۰ ۹ ۶	• مکسجی الماس ایران؛ مینی سیتی، بلوار نیروی زمینی ، همکف ۷-۷
۳ ۳ ۳ ۶ ۷ ۱ ۶ ۱	• مکسجی قزوین؛ میدان عدل	۳ ۶ ۵ ۵ ۰ ۱ ۶ ۷	• مکسجی امینیه؛ سپاهان شهر، سیتی سنتر
۳ ۳ ۴ ۴ ۸ ۰ ۲ ۳	• مکسجی زاهدان؛ نبش جانبازان ۱۹	۲ ۲ ۳ ۷ ۸ ۴ ۷	• مکسجی ایلام؛ بلوار امام علی
۳ ۸ ۲ ۴ ۵ ۶ ۳ ۹	• مکسجی یزد؛ آیت‌الله کاشانی	۳ ۳ ۷ ۵ ۸ ۸ ۷ ۵	• مکسجی رشت؛ بلوار گلستان
۳ ۳ ۵ ۵ ۷ ۵ ۷ ۰	• مکسجی گنبد؛ خیابان مطهری	۳ ۲ ۳ ۵ ۷ ۷ ۶ ۳	• مکسجی شیراز؛ هتل بین المللی پارس

روابط عمومی و بازرگانی: ۸ ۸ ۸ ۸ ۸ ۸ ۱ ۵

Galaxy S7 edge | S7

سامسونگ SAMSUNG



روز پدر مبارک

فرصت استفاده از بسته ویژه سامسونگ:

- هدیه روز پدر
- بهره‌مندی از خدمات VIP تا پایان سال ۱۳۹۵ (برای مدت محدود، گوشی‌های فعال‌سازی شده در بهار)

کسب اطلاعات بیشتر از طریق مرکز تماس موبایل سامسونگ



بسته پشتیبانی ویژه

مرکز تماس موبایل ۰۲۱